

اجازه بدهید سینمانفس بکشد



فرزاد مومتن کارگردان سینما به نحوه بازگشایی سینماها و اکران فیلم‌ها در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا واکنش نشان داد. این کارگردان در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: اکران مجدد فیلم‌ها در سینماها در دو هفته اخیر واضح‌تر از هر زمان دیگری نشان داد که در کشور ما فیلم‌ها براساس ارزش‌های تجاری، نمی‌فروشند، آن‌ها با یک قیچی، متشکل از برخی تهیه‌کنندگان، دفاتر پخش و سینماداران در یک لبه و پروکراسی دولتی

سینما در لبه دیگر و در هماهنگی با یکدیگر، «بفروش»، یا «نفروش» می‌شوند. به گفته او سال‌هاست که اوضاع سینما بر این منوال است؛ گروهی با تکیه بر ثروتی که در سینما به دست نیاورده‌اند (اغلب کارشان چیز دیگری است) لای‌هایی به دست آورده‌اند و گروهی دیگر با تکیه بر حق امضایی که منصب دولتی نصیبشان ساخته، سینما را مصادره و آن را به دو گونه «طنز» و «اجتماعی» تقسیم کرده‌اند (گونه‌های واقعی را اصلا



نمی‌شناسند) و هر دو دسته، فیلم‌هایشان را با دامن زدن به جریانی انحصارطلب در نحوه تقسیم سینما‌ها، می‌فروشند و باقی سینما را نابود می‌کنند اما این بار زورشان به اپیدمی نرسید. مومتن همچنین در این نوشته خاطرنشان کرد، در چنین شرایطی عاقلانه این بود که با یکی دو فیلم آرام‌تر که شاید چندان امیدوی به موفقیت تجاری برایشان تصور نمی‌شد، اولین اکران پس از کرونا را تجربه می‌کردیم و سپس، تصمیم‌گیری می‌شد

موسیقی مرانتخاب کرد

گپ و گفت با کیوان ساکت نوازنده و آهنگ‌ساز نامدار مشهدی به مناسبت زادروزش



خیریه، برگزاری کلاس‌های پژوهشی و مستر کلاس‌ها، زیارت مزار پدر و مادرم نیز از مهم‌ترین علل سفرم به مشهد بود. اما شرایط موجود، تمامی سفرهایم را معلق کرد.

زیادی در مشهد فعالیت هنری می‌کردند که هنوز هم جزو سرآمدان این هنر مشهد محسوب می‌شوند. در اموختن موسیقی هم دایمی ام آقای منوچهر زمانیان مشوق من بود. همه این‌ها باعث شد کم‌کم به هنر، به ویژه موسیقی نزدیک و علاقه‌مند شوم. البته این علاقه از گذشته نیز در من وجود داشت و در پی شرکت در کار گاه موسیقی کودکان و نوجوانان به دعوت دایمی‌ام، در من شکوفاد شد.

ساکت که کوچه و خیابان‌های مشهد را پیدآور خاطرات گذشته‌اش می‌داند، خاطر نشان می‌کند: من در مشهد رشد و نمو کردم، نخستین تمرینات هنر جویی و حرفه‌ای را در این شهر گذراندم، در دبیرستان معروف علم و دانشگاه فردوسی تحصیل کردم و تمام خاطرات دوران کودکی، نوجوانی و جوانی من در این شهر شکل گرفته است. به همین دلیل این شهر جذابیت بسیاری برایم دارد. مشهد برای من شهری است پر از خاطره‌ها و یادها. دوستان زیادی در این شهر دارم.

تا پیش از شیوع کرونا و وضعیت پیش‌آمده، سفرهای زیادی به مناسبت‌های مختلف به مشهد داشتم؛ از جمله شرکت در مراسم بزرگداشت هنرمندانی مانند استاد کدکنی و یادکتر یاقفی، جمع‌آوری کمک‌های

سلیقه‌برخی نویسندگان باسلايق انجمن نمی‌خواند

گفت‌وگوبا احمد میرزاده، شاعر مشهدی و عضو هیئت مدیره انجمن قلم به مناسبت روز قلم

انجمن نامزد هیئت مدیره شدم و با کسب اعتماد مجمع عمومی به عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت مدیره انتخاب شدم.

● تعداد اعضای انجمن رو به افزایش است

یکی از ایراداتی که برخی از افراد به انجمن قلم می‌گیرند تعداد اعضای دویست نفری آن است. رقمی که با وجود فراگیر بودن این انجمن چندان چشمگیر نیست. از میرزاده شرایط عضویت در انجمن و دلیل حضور نداشتن برخی از نویسندگان و شاعران نامدار را می‌پرسیم که پاسخ می‌دهد: در اسانامه انجمن چند شرط برای عضویت در انجمن قلم اسلامی، پذیرش و تقید به قانون اساسی، تدین به یکی از ادیان رسمی کشور، نداشتن پیشینه مؤثر در خدمت فرهنگی به رژیم پهلوی، نداشتن اشتغال به فساد اخلاقی، داشتن حداقل یک کتاب قابل قبول، پذیرش اسانامه و درخواست عضویت و پرداخت حق عضویت، بنابراین حتی افرادی خارج از دین اسلام هم می‌توانند در صورت داشتن سایر شرایط عضو انجمن شوند. البته تأیید صلاحیت فرد و اینکه مثلاً کتاب چاپ شده فرد کتاب خوب و ارزشمندی هست یا خیر باید در هیئت مؤسس انجمن بررسی شود.

● جای خالی بزرگان شعر و ادب در انجمن قلم این نویسنده درباره تعداد کم اعضای انجمن و حضور نداشتن برخی از نویسندگان مشهوری چون محمود دولت‌آبادی، هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی و... در این صنف تأکید می‌کند: قبیل‌دارم که تعداد اعضای انجمن می‌توانست و می‌باید خیلی بیشتر از این‌ها باشد اما

اینکه چرا بعضی از چهره‌های شاخص، عضو انجمن نیستند باید مصادقاً به مصداق برسی شود. مثلاً برخی نویسندگان مشهور

هستند که شرایط مندرج در اسانامه انجمن را ندارند. طبیعی است که خود به خود نه از سوی انجمن دعوت به عضویت می‌شوند و نه خودشان تمایلی به عضویت در این تشکل دارند. و ادامه می‌دهد: هنرمندان دیگری هم هستند که شرایط عضویت در انجمن را دارند اما علاوه و سلیقه فرهنگی و سیاسی‌شان با سلايق موسسان انجمن قلم همخوانی ندارد و تصور می‌کنند عضویت در انجمن قلم یعنی پذیرش یک سلیقه سیاسی و فرهنگی خاص. نظر این دوستان کاملاً محترم است هر چند

به گمان من اشتباه می‌کنند. البته می‌پذیرم که هیئت مدیره ادوار انجمن قلم می‌توانسته در عضوگیری و دعوت افراد دارای صلاحیت پویاتر باشد. اخیراً نیز با تدبیر هیئت مدیره فعلی اقداماتی برای شناسایی و دعوت از نویسندگان دارای صلاحیت سراسر کشور صورت گرفته و تعداد اعضای بر جسته انجمن رو به افزایش است.

● فعالیت‌های مؤثر انجمن قلم

میرزاده در ادامه از اهداف و فعالیت‌هایی که تا به امروز در این انجمن صورت گرفته می‌گوید: تمام کسانی که دور هم جمع می‌شوند و یک NGO با تشکل تشکیل می‌دهند معمولاً به فکر سود و مزیت فردی نیستند. بلکه اهدافی گروهی و اجتماعی دارند. مثلاً تشکل‌های طرفدار محیط زیست دنبال این نیستند که یک منفعت فردی به دست آورند بلکه در راه هدف مشترکی مثل نجات محیط زیست اتفاق رنج و زحمت می‌کشند و حتی گاه هزینه فردی هم می‌کنند. انجمن قلم هم یک تشکل فرهنگی است. گروهی با عقاید و سلايق و دغدغه‌های مشترک گرد هم آمده‌اند تا با هم افزایی خود در جامعه مؤثرتر باشند. البته وقتی یک خواست یا آرمان جمعی محقق بشود نفع آن به افراد آن جمع هم خواهد رسید. او درباره فعالیت‌های صورت گرفته در این انجمن یادآور می‌شود: انجمن قلم توانست روزی به نام قلم را در تقویم رسمی ثبت کند. طرح مدرک معادل برای نویسندگان را اجرایی کند و اکنون بسیاری از اهالی قلم که مدرک رسمی نداشته‌اند از مزایای قانونی مدرک

انجمن می‌توانست و می‌باید خیلی بیشتر از این‌ها باشد اما

● می‌پذیرم که هیئت مدیره ادوار انجمن قلم می‌توانسته در عضوگیری و دعوت افراد دارای صلاحیت پویاتر باشد این نویسنده درباره تعداد کم اعضای انجمن و حضور نداشتن برخی از نویسندگان مشهوری چون محمود دولت‌آبادی، هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی و... در این صنف تأکید می‌کند: قبیل‌دارم که تعداد اعضای انجمن می‌توانست و می‌باید خیلی بیشتر از این‌ها باشد اما



مقامات رسمی را ایفا کند. در کنار این‌ها در حد توان امکاناتی چون وام بدون بهره، بن کتاب، امکان سفر زیارتی رایگان به شهر مشهد و... را برای اعضای خود فراهم کرد. او با اشاره به برگزاری جشنواره قلم‌زین از سبوی این انجمن درباره نحوه برگزاری این دوره از جشنواره با توجه به شرایط کشور به دلیل شیوع ویروس کرونا نیز توضیح می‌دهد: دربارۀ جشنواره قلم‌زین باید عرض کنم که ما هم در ابتدا برای برگزاری این دوره از جشنواره که دوره مجدهم آن است دغدغه داشتیم و هیئت مدیره جلساتی را به بررسی این موضوع اختصاص داد. سرانجام تصمیم گرفتیم که مراحل دآوری جشنواره را در گروه‌های پنج‌گانه به دقت هر سال انجام دهیم ولی اختتامیه را به شکل محدود و با حضور برگزیدگان، داوران، هیئت مدیره و خبرنگاران برگزار کنیم. اکنون مراحل دآوری به طور کامل تمام شده و امیدوارم امروز هم‌زمان با روز قلم این جشنواره مثل هر سال با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و نکات احتیاطی برگزار شود.

● ضرورت حضور پررنگ اعضای انجمن

میرزاده همچنین از دغدغه‌هایش برای اهالی قلم می‌گوید: نویسندگان ما این روزها با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند.

و سینماها را از فروش فوق‌العاده‌ای که از این فیلم‌ها انتظار می‌رفت، محروم نمی‌ساختیم. او در بخش دیگری از این نوشتار آورده‌است: هنوز هم دیر نشده؛ اجازه بدهید اکران متنوع‌تری داشته باشیم. زمان آن رسیده است که فیلم‌ها، به دو گونه «قوی» (منظور فیلمی است که امکان فروش آن قوی باشد) و «ضعیف» (فیلمی که شاید چندان گیشه پر فروشی نداشته باشد) تقسیم نشوند، این همه «ریل‌گذاری»، انجام نشود، اجازه بدهید سینما شرایطی طبیعی‌تر را تجربه کند و نفس بکشد.

از دوره نوجوانی به کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان رفتم و چون دایمی‌ام تار آموزش می‌داد، این ساز را برگزیدم. او با بیان اینکه جز کمبود امکانات و محدودیت‌ها برای موسیقی، تاکنون مانعی بر سر راه فعالیتش نبوده، از انتخاب میان نقاشی و موسیقی می‌گوید: در حقیقت موسیقی مرا انتخاب کرد. این هنر آن‌قدر کشش دارد که انسان ناگزیر به سمتش حرکت می‌کند.

● آرزوی ساکت

این نوازنده تار و سه‌تار در پایان از آرزویی که در دل دارد می‌گوید: آرزو دارم کشورم در آرامش و صلح باشد و فشار بسیار زیادی که از لحاظ معیشتی کمر مردم را شکسته و آن‌ها را ناتوان کرده، برطرف شود. زیرا اثر فشار باعث بروز خشونت‌ها و ناامنی‌های اجتماعی می‌شود. بسیاری از مردم سرزمینمان به دلایل گوناگونی چون سیل، زلزله و آتش‌سوزی‌ها از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند. امیدوارم این اتفاقات در سال پیش‌رو کمتر شود تا مردم مامدتی رنگ و روی آرامش را به خود ببینند. این بزرگ‌ترین آرزوی قلبی من است. زیرا زمانی که آرامش حاکم باشد، فرهنگ می‌تواند رشد کند و مردم را به تعالی برساند، در غیر این صورت مردمی که برای نان شب محتاج هستند، نمی‌توانند به فکر پیشرفت فرهنگی باشند.



عزیز خاچاتریان/تهران

چون وضعیت نشر مطلوب نیست. متأسفانه رفتار نهادهای متولی هم رفتار مطلوبی نیست به این معنی که از کار فاش و حرفه‌ای به اندازه کافی حمایت نمی‌شود و بودجه‌های دولتی و شبه‌دولتی تا حد زیادی به دلیل کارناشناسی متولیان امر به پای افراد و آثار مبتذل هز و هدر می‌رود. این امر عرصه را بر نویسندگان نجیب و حرفه‌ای که نمی‌خواهند تن به ابتذال فنی و محتوایی بدهند تنگ می‌کند. او با اشاره به اینکه فضای مجازی نیز این روزها تمام قد در خدمت ابتذال است خاطر نشان می‌کند: فضای مجازی هر روز یک آدر را به عنوان سلبریتی و چهره‌دایی به جامعه تحمیل می‌کند و نویسندگان و آثار اصیل را به حاشیه می‌برد. در این میان قطعا صداهای فردی به جایی نخواهد رسید. ما روز به روز به کار جمعی نیازمندتر می‌شویم. به نظر این عضو هیئت مدیره انجمن قلم، نویسندگان اصیل باید از لاک تنهایی خود بیرون بیایند، دست به دست بدهند و برای تعالی فرهنگ و ادب این سرزمین و ترویج معارف دینی و آرمان‌های ملی تلاش کنند. برای تحقق چنین همبستگی، تشکلی مثل انجمن قلم می‌تواند ایفای نقش کند که البته مهم‌ترین شرط آن حضور پررنگ تر اهالی شعر و ادب در این انجمن است.

نگاهی به رمان «تنگسیر»

هادی دقیق

۱۴ تیر ۱۲۹۵ خورشیدی در بوشهر زاده شد و ۱۳ تیر ۱۳۷۷ خورشیدی در برکلی کالیفرنیا درگذشت. از صادق چوبک داستان‌های کوتاه فراوانی به جا مانده است و به حق باید او را در کنار جمال‌زاده و هدایت از پیشگامان داستان کوتاه فارسی دانست. ۲رمان «تنگسیر» و «سنگ‌صبور» نیز از داستان‌های بلند اوست اما در این گفتار به معرفی «تنگسیر» می‌پردازم. روایت تنگسیر در جنوب ایران و در یکی از ولایت‌های بوشهر به نام تنگستان می‌گذرد. زایبر محمد، شخصیت اصلی رمان، مردی تنومند و ساده‌دل و کاسب بازار است. او در برابر مردم روستایش از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند و اهالی روستا او را به خوش‌دلی و خوش اخلاقی می‌شناسند. محمد مدتی است که بنا به سادگی‌اش گرفتار دسیسه کلاهبرداری شده است. خودش معتقد است سوداگر و حاکم شرع و دلال و وکیل هم‌دستی کرده‌اند تا مال او را بالا بکشند، همان‌ها که در این داستان هر کدام نماد قلدری، ریاکاری، کلک‌بازی و سودجویی هستند. آن‌ها به هوای سرمایه‌گذاری تمام داروندارش را که ۱۰۰۰ تومان بود، گرفتند و بعد او فهمید که سرش کلاه رفته است. حالا که به‌دنبال پولش می‌رود، می‌گویند در معامله ضرر کرده‌ایم و پولمان به باد رفته است. به بیانی پول بی‌زبان را دست آدم زبان‌دار داده بود. محمد حالا که می‌بیند دستش از همه جا کوتاه است و حتی برای گرفتن پولش دشنام هم می‌شنود، به سراغ آخرین راه می‌رود، یعنی انتقام و کشتن آن ۴ نفر. حالا تفنگچی‌ها پی او می‌گردند و او در پی فراری دادن زن و فرزندانش و رفتن به مکانی دیگر است. تنگسیر با چنان وسواسی در جزئیات نوشته شده است که خواننده کمتر می‌تواند کتاب را زمین بگذارد. مخاطب تنگسیر در ریزترین جزئیات رمان شریک است و حتی صدای نفس نفس‌زدن شخصیت اصلی را می‌شنود و هرم گرمای جنوب را هم تجربه می‌کند.

نویسنده در سراسر این رمانش با لهجه بوشهری که زادگاهش بوده است با خواننده ارتباط برقرار می‌کند. چیزی که در دیگر آثار او نیز یافت می‌شود. چوبک از پیشگامان شکست سنت ادبیات مؤدب بود. سیل وازه‌های ناآشنا برای مردم شمال ایران آن قدر زیاده است که وی در پایان کتاب فهرست لغاتی را ذکر می‌کند و در توضیح آن می‌آورد. «بسیاری از این لغات پدر و مادر دارند و در فرهنگ ما هم آمده‌اند، اما برخی نیز شناسنامه ندارند... که طی قرون و اعصار خودشان را پایه‌های فرهنگ و زبان ما کشانده‌اند و به این روز سیاه افتاده‌اند که تازه شناسایی آن‌ها مورد تأمل و تردید ماقرار گیرد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، این آوازه‌های آبی‌شناسنامه هم زنده هستند و هر روز گروهی آن‌ها را در گفت‌وگوی خود به کار می‌برند.» چوبک در داستان‌هایش بیشتر به تنگ‌دستی و خرافه پرداخته است و به قول رضا براهنی: «او حداقل فقر و جهل را می‌فهمید و شاید همین رمز ماندگاری او باشد.» تنگسیر هم از این قاعده مستثنا نیست، به حدی روان و شیواست که مخاطبش طیف ندارد و در پرداخت شخصیتی حماسی و اسطوره‌ای به‌سان کهن‌الگوها عمل می‌کند.

زایبر محمد پس از اینکه آبرویش را بر باد رفته می‌بیند، در تقابل بدین «نام» و «تنگ» به تکاپو می‌افتد تا این ننگ را پاک کند و نامش را به‌دست آورد. آنجاست که شخصیتی حماسی در داستان شکل می‌گیرد که بدون حواله‌کردن احقاقی حقش به دنیا و آخرت، سعی می‌کند تا خودش آن را پس بگیرد با دست‌کم نشان دهد که پس گرفته است. قهرمان داستان در ابتدا بین مردم عادی و مثل آن‌ها زندگی می‌کند، ولی به یک‌باره به شخصی حماسی

بدل می‌شود که جامعه فصل ماجرای زندگی او را رصد می‌کنند. وجه تمایز داستان حماسی تنگسیر این است که او پس از خلق آن دوباره به زندگی عادی در کنار مردم عادی بازمی‌گردد. در نهایت رمان تنگسیر براساس داستانی واقعی است که سال ۱۳۴۲ نوشته شده است و از تأثیر گذارترین رمان‌های دهه ۴۰ بوده و اکنون نیز جزو کتاب‌های مورد توجه اهالی ادبیات است.

«مداومت در اصول موسیقی ایرانی» باز نشر شد

کتاب «مداومت در اصول موسیقی ایرانی»، نوشته مهدی برکشلی با محوریت گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی بازنشر شد. در پیش‌درآمد این کتاب آمده است: «موضوع این کتاب، گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی، از زمان‌های پیشین مورد توجه خاص دانشمندان و فیلسوفان بوده است که درباره موسیقی تحقیق کرده و کتاب نوشته‌اند و در آثار خود فصل‌های خاصی به آن اختصاص داده‌اند. نظر فراوانی در این‌باره به‌عنوان سراز این کتاب آمده است. نگارنده عقیده‌راسخ دارد که هر موسیقی‌شناس، آهنگ‌ساز، نوازنده یا خواننده که در زمینه موسیقی غربی یا شرقی در راه تخصص و مهارت کاری می‌کند، باید علاوه بر آگاهی عملی و تمرین‌های روزانه، به گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایرانی نیز آشنایی نظری داشته باشد».

موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن) این کتاب را در ۱۶ فصل، ۲۰۰ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه و بهای ۲۵ هزار تومان، به‌بازار عرضه کرده است.



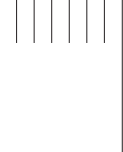
روزنامه شهروازشهرامشیدوزنگی

شنبه۱۴ تیر ۱۳۹۹خودشماره ۳۳۳۳

SHAHROOZ NEWS.IR



فرهنگ وهنر



شکیبا افخمی‌راد

sh.alfkhami@shahraranews.ir

انجمن قلم ایران در سال ۱۳۷۸ به عنوان تنها تشکل رسمی فراگیر قانونی برای اهالی قلم کشور آغاز به کار کرد. انجمنی که بنا شد تا تمام شاعران، نویسندگان (داستان، فیلم‌نامه و نمایشنامه‌نویسان)، منتقدان، مترجمان، پژوهشگران و اندیشمندان عرصه علوم انسانی بتوانند در آن حضور پیدا کنند و از مزایای آن بهره ببرند. یکی از اولین اقدامات این انجمن در آغاز فعالیت‌هایش تلاش برای نام‌گذاری روزی به نام «روز ملی قلم» بود که در نهایت نیز روز چهاردهم تیر به پیشنهاد انجمن قلم ایران و با تصویب شورای فرهنگ عمومی، به عنوان «روز قلم» در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید. امروز هم‌زمان با روز قلم در سال ۱۳۹۹ به سراغ احمد میرزاده نویسنده و شاعر مشهدی و عضو هیئت مدیره انجمن قلم رفتم و با او درباره فعالیت‌های این انجمن در طی این سال‌ها و نحوه حضور او در این تشکل گفت‌وگو کردم.

● میل به حضور در فعالیت‌های صنفی

میرزاده که خود از سال ۱۳۸۱ به عضویت انجمن قلم درآمده است، دلایل عضویتش را این‌گونه شرح می‌دهد: اولاً من همیشه به فعالیت گروهی و صنفی علاقه‌مند بوده‌ام و از اینکه نویسندگان آن‌روا طلب هستند و حتی برای احقاق حقوق خودشان به فکر کار گروهی و ایجاد تشکل فرهنگی نیستند آزرده بوده‌ام. همچنین حس کردم که تنها با حضور در یک تشکل سیاسی و قوی است که می‌توانم تأثیرگذاری در اجتماع داشته باشم نه صرفاً با کار قلمی فردی! و انجمن قلم ایران تشکلی بود که می‌توانستم به آن اعتماد کنم. او خاطر نشان می‌کند: شخصیت منطقی، محکم، انقلابی، مدبر و پرسابقه استاد محمدرضا سرشار خودش مایه جذب بسیاری از اهل قلم و از جمله من بود. به جرئت می‌توان گفت بدون ایشان باگیری این انجمن اگر نه محال، بسیار دشوار بود. دوم، حضور چهره‌هایی مثل استاد حمیددسب‌زواری، استاد علی معلم دامغانی، دکتر علی لاریجانی، دکتر محسن پرویز، محسن مومنی شریف در هیئت موسس انجمن نوید بخش تأسیس یک انجمنی پویا، متعهد و مؤثر بود. این بود که با افتخار در خواست عضویت در انجمن کردم و تا به حال در تمام این سال‌ها سعی کرده‌ام در مجامع عمومی حاضر شوم و به قدر توان خودم مؤثر باشم. در دوره اخیر نیز به توصیه بزرگان